

شیرین عبادی در گفت و گو با هری کرایسلر:  
بنیادگرایان در ایران گواهی برای شنیدن ندارند



شیرین عبادی در مصاحبه با هری کرایسلر، معاون مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه برکلی کالیفرنیا در برنامه "مصاحبه تاریخ"، از ویژگی های جامعه ایرانی و کتاب خود می گوید. عبادی معتقد است که بنیادگرایان در ایران گواهی برای شنیدن ندارند. او در این مصاحبه می گوید همچنان که گنجی معتقد است دین از سیاست جدا است او هم اعتقاد دارد برای جلوگیری از سوء استفاده از دین، باید نهاد حکومت و دین از هم جدا باشند.

برنده جایزه صلح نوبل در پاسخ به سوال هری کرایسلر به وضعیت قانون زنان پیش و بعد از انقلاب می گوید: "همواره انتظار دارم که قانون عدالت را برقرار کند و وقتی یک قانونی این انتظار را برآورده نمی کند سعی می کنم راه حلی پیدا کنم که به عدالت نزدیک تر شود. وقتی که من و همسرم ازدواج کردیم در یک شرایط قانونی مساوی بودیم ولی بعد از انقلاب قانون عوض شد و من تمامی حقوقم را از دست دادم و تبدیل شدم به یک برده. درحالی که قبلاً همسان و برابر با شوهرم بودم.

این احساس بی عدالتی که می کردم در رفتار من در خانواده تأثیرگذار بود. روزی به شوهرم گفتم که من از این بی عدالتی قانونی رنج می برم و پیشنهاد کردم که قراردادی با هم ببندیم و او تمامی این حقوقی را که قبلاً داشتم اعتراف کند که به من خواهد داد و همسرم این را قبول کرد. جالب است روزی که من و همسرم به دفترخانه می رفتیم این قرارداد را امضا کنیم مردی که در این دفتر خانه بود به شوهرم گفت که مگر دیوانه شدی که می خواهی این کار را بکنی، گفت من به خاطر نجات زندگی خانوادگیم باید این کار را انجام بدهم و از آن روز به بعد چون احساس کردم مساوی با همسرم هستم می توانم این زندگی را ادامه بدهم و خوشبختانه زندگی زناشویی ام تا کنون ادامه پیدا کرده است."

عبادی سپس پاسخ داد که تلاش برای تغییر قانون در ایران چگونه عملی می شود: "قوانین نامناسبی که ما داریم حکومت ادعا می کند که این قوانین ناشی از اسلام است و من با مطالعه دقیق اسلام به حکومت نشان می دهم که این تفسیر غلط از اسلام است و ما می توانیم قوانین بهتری داشته باشیم. پرونده هایی که من قبول می کنم بیشتر به خاطر این است که نتیجه عملی یک قانون

را به مردم وبه جامعه بشناسانم. مثل پرونده هایی که در کتاب از آن ها یاد کردم و در این گونه محاکمات از خبرنگار ها دعوت می کنم بیایند و راجع به آن مساله بنویسند و وقتی مردم نتیجه عملی یک قانون بد را می بینند آنوقت شروع می کنند به دولت فشار بیاورند که قانون عوض بشود. این روش باعث شده است که من بتوانم چندین قانون را عوض کنم."

برنده جایزه صلح نوبل سپس به شرحی مثالی در این زمینه پرداخت : "من به خواهش عده ای از نمایندگان اصلاح طلب قانون خانواده ای نوشته بودم که کاملاً منطبق با اسلام بود و در عین حال عدالت را هم اجرا می کرد در جلسه ای که بود تعداد زیادی از روحانیون که اکثراً هم بنیادگرا بودند و از من ایراد گرفتند. من کتاب های مذهبی زیادی با خودم برده بودم و هر ایراد آنها را با توجه به کتاب های فقهی جواب می دادم و کتاب را جلوی آنها می گذاشتم که ببینم درست می گویند و در این هنگام یکی از بنیادگرایان که خیلی هم قدرت داشت به مستخدم چیزی آهسته در گوشش زمزمه کرد."

مستخدم به من گفت که من را پای تلفن می خواهند. من وقتی بیرون رفتم متوجه شدم که کسی من را پای تلفن نخواست، درحقیقت من را بیرون از اتاق کردند برای اینکه حرف هایی که من می زدم آنها نمی توانستند استدلال کنند که درست نیست. بنابراین ترجیح دادند که حرف های من را نشوند. درحقیقت مشکل ما با بنیادگرایان اسلامی همین است که اصلاً نمی خواهند حرف کسی را بشنوند."

اما چقدر وقت داشتید که همه این کارها را انجام بدهید؟ عبادی به عنوان مادر، به عنوان وکیل و یک فعال حقوق زنان؟ شیرین عبادی می گوید: "همواره من سعی کرده ام مانع از سوء استفاده از قدرت بشوم. هم قدرت سیاسی و هم سوء استفاده از مذهب و احساسات مذهبی مردم و همچنین مانع از زورگویی ثروتمندان. من از جوانی عادت داشتم که حداقل 12-13 ساعت در روز کار کنم و اگر ادم از وقتش خوب استفاده کند می بیند 24 ساعت خیلی وقت زیادی است."

در عین حال باید بگویم وضعیت من شبیه وضعیت کسی است که در یک اقیانوس است و در این اقیانوس قایقش می شکند. او چاره ای ندارد جز اینکه دائماً شنا کند بلکه خودش را به جایی برساند ما هم در چنین وضعیتی دچار شدیم. قوانین هم به قوانین ضد زن عوض شد. من حق ندارم خسته و یا نا امید شوم چرا که بلافاصله غرق می شوم."

پس از آن وکیل پرونده قتل های زنجیره ای، دلیل حمایت خود را از موضوع زنان با شرح مثالی شرح می دهد: "یک ضرب المثل هست که می گوید قدرت یک زنجیر در ضعیف ترین حلقه آن نهفته است بنابراین باید مراقب آن حلقه ضعیف باشیم و حلقه ضعیف در جامعه ما زنان و کودکان و زندانیان سیاسی هستند."

سخت است اما برای این که این کار انجام شود باید با صداقت با بچه ها صحبت کنیم. من یک نمونه از کاری که می کنم را برای شما می گویم. روزی دختر کوچکم وقتی 9 ساله بود به من گفت که آیا دکتر مصدق آدم خوبی بود یا بد؟ گفتم چطور؟ گفت برای اینکه در کتاب پارسال نوشتند که این قهرمانی بود که نفت ایران را ملی کرد و در کتاب امسال نوشتند این آدم بدی بود که با روحانیت مخالفت می کرد."

من به او داستان مصدق و کودتای سی ای ای را گفتم. و در عین حال گفتم که تو بایستی بتوانی برای اینکه کلاس بالاتر بروی از معلمت نمره بگیری. در نتیجه وقتی که چیزی به تومی گویند که با عقلت سازگار نیست فقط در حد اینکه نمره قبولی بگیری یاد بگیر و بعد از امتحان هم فراموش کن."

هری کرایسلر سپس می پرسد، چگونه چنین راهی را طی می کنید؟ از کجا انگیزه می گیرید؟ عبادی می گوید: "وقتی که آدم به راهی که انتخاب کرده اعتقاد داشته باشد استوارتر گام برمی دارد و در عین حال فراموش نکنیم که من مسلمان هستم و به وجود خدا اعتقاد دارم و این به من قوت قلب می بخشد. من وقتی راهی انتخاب می کنم که می دانم درست است تمام تلاشم را می کنم و بعد به خدا می گویم این همه تلاشی که می توانستم انجام بدهم حالا تو بقیه اش را انجام بده."

معاون مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه برکلی سپس از عبادی که تصریح می کند در دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشته و تجربه و دانش و آگاهی را به عنوای عناصری در راه شجاع بودن برمی شمرد می پرسد نقش آموزش در طی چنین روندی چیست؟ عبادی پاسخ می دهد: "آموزش مهمترین عامل در بهبود وضعیت هر جامعه ای است به عنوان مثال بیش از 65 درصد از دانشجویان دانشگاه های ما دختر هستند و دانش زنان ایران بسیار بالاست همین مساله باعث شده جنبش فمینیستی در ایران بسیار قوی بشود. خیلی قوی تر از کشورهای که همسایه ما هستند."

عبادی سپس در این آموزش به شرح نقش دانشجویان در کشور می پردازد: "جنبش دانشجویی همواره در سیاست می تواند موثر باشد و به عنوان یک نیرو برای اینکه حکومت راهش را به درستی تعیین کند. متأسفانه حکومت های غیردموکراتیک به جای اینکه به انتقادات درست جوانان توجه کنند آنها را به زندان می افکنند. دموکراسی بسیار در اصلاح ساختار سیاسی و قدرت در ایران تاثیر گذار خواهد بود."

اولین پله دموکراسی این است که هر کسی بتواند به هرکسی که می خواهد به عنوان نماینده مجلس رای بدهد درحالی که مردم ایران این آزادی را ندارند. طبق قانونی که در ایران هست صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری و مجلس اول باید به تایید شورای نگهبان برسد بعد مردم رای بدهند به عبارت دیگر مردم آزاد نیستند به هر کسی که می خواهند رای بدهند و باید به هرکسی رای بدهند که شورای نگهبان می گوید."

کرایسلر می پرسد که پیش از این اکبر گنجی مخالف برجسته ایرانی از تئوری جدایی دین از سیاست سخن گفته بود، نظر شما چیست؟ عبادی می گوید: "گنجی موکل من است و من از اودفاع می کردم. او معتقد به جدایی دین از حکومت است. من هم همین اعتقاد را دارم. فکر می کردم برای اینکه از اعتقادات مردم سوء استفاده نشود بهتر است که حکومت از مذهب جدا بشود."

اما مساله مهم اینجاست که اگر جامعه ای دلش خواست و رای داد که مذهب از سیاست جدا نباشد و سکولاریسم را قبول نداشت یا به رادیکال ها رای داد، مثل حماس که الان به قدرت رسیده است، آیا ما که این طرف دنیا نشسته ایم حق داریم که بگوییم مردم نمی توانند به آنچه که می خواهند رای بدهند و مردم باید همان گونه بیاندهند که ما فکر می کنیم؟ مسلماً چنین حقی نداریم و برای

اینکه از این بن بست بیرون بیاییم باید به تعریف دیگری از دموکراسی برسیم. دموکراسی یعنی حکومت اکثریت اما اکثریتی که به قدرت می رسد حق ندارد هر طوری که می خواهد حکومت کند.

راموش نکنیم بسیاری از دیکتاتور ها از طریق دموکراسی به قدرت رسیدند از جمله هیتلر. دموکراسی یک چارچوب دارد که باید رعایت بشود. یعنی حکومتی که در اثر انتخاب آزاد به قدرت می رسد نباید از چارچوب قانون فرار برود در فعالیت هاش. چارچوب دموکراسی ضوابط و قواعد حقوق بشر است.

کرایسلر می پرسد که این دموکراسی را چطور باید ایجاد کرد درحالی که شما می گوید زمینه های آن درکشورتان وجود دارد؟ اولین زن قاضی تاریخ کشور می گوید: "دموکراسی هیچ وقت به همراه کودتا و تانک های نظامی وارد کشورهای دیگر نمی شود. دموکراسی یک فرهنگ است که بایستی در یک جامعه ای ایجاد شود و به پیش برود. کودتایی که "سی اس ای" در ایران کرد باعث شد که شاه قدرتش را ناشی از آمریکا بداند و به آن مدیون بشود و هرچه بیشتر خرید اسلحه کند و تا انجایی پیش رفت که معروف شد به ژاندارم خاورمیانه و شاه به اتکای حمایتی که از آمریکا می دید شروع به استبداد و نادیده گرفتن رای مردم کرد. و متأسفانه در حال حاضر هم می بینیم که دوستان آمریکا در خاورمیانه اکثر غیردموکراتیک هستند مثل عربستان سعودی و کویت و سایر کشور های عربی اسلامی که دموکراسی بسیار ضعیف است آنجا."

عبادی سپس با اشاره به حوادث اول انقلاب که منجر به از دست دادن شغلش شد می پردازد و به این سوال هری کرایسلر پاسخ می دهد که انگیزه اش از چنین فعالیتی چیست: " ( بعد از انقلاب) من شغلم را از دست داده بودم و احساس کردم که این فقط صدمه به من نیست بلکه آغاز حمله ای به حقوق زن است. بعد از آن قوانینی تصویب شد که به زیان زنان و تبعیض آمیز بود و به همین جهت من بعد از آن فعالیتیم را روی حقوق زنان متمرکز کردم.

هر کس با انگیزه ای سراغ علم حقوق می رود بعضی ها به خاطر اینکه اصولاً این رشته پول سازی است و می توانند ثروتمند شوند، بعضی ها به خاطر اینکه حقوق دروازه سیاست است و می توانند سیاست مداران معروفی بشوند و بعضی به خاطر اینکه بهترین راه برای کمک عدالت حقوق است. انگیزه من درحقیقت کمک به اجرای عدالت بود. "

عبادی می گوید که همان گونه که در کتابش به آن اشاره کرده است در مسیر زندگی چه چیزی او را بسیار آندوهگین کرده است: " اعدام برادر شوهرم من را بسیار غمگین کرد اما مهمتر از این مساله این بود که در مدتی در کمتر از یک هفته حدود 3000 جوان را فقط به جرم سیاسی اعدام کردند. " موضوعی که عبادی در کتابش آن را مورد اشاره قرار داده است: "من به عنوان یک وکیل همواره به دنبال عدالت بوده ام و متوجه شده ام که متهمین سیاسی در کشور من مظلومترین افراد هستند چون هم بی گناه به زندان می روند و هم در زندان با آنها بسیار بدتر رفتار می کنند تا یک متهم عادی مثلاً سارق یا قاتل.

کرایسلر می پرسد که به عنوان وکیل قتل های سریالی در ایران، چه واکنشی به ماجرا داشت؟ عبادی می گوید: "مهمترین واکنشی که من داشتم (به قتل های زنجیره ای) این بود که متعجب شدم از اینکه من جزو گروه سیاسی نبودم و قصد نداشتم هیچ وقت که جای کسی را در حکومت بگیرم. من کسی بودم که مجانی برای جامعه ام کار می گیرم و متعجب شدم که چطور چنین آدمی می تواند اینقدر موردنظرت حکومتی می تواند قرار بگیرد که وزیر اطلاعات کشور دستور قتلش را بدهد و بعد متأسف شدم از اینکه چطور حکومت ما بین دوست و دشمن جامعه فرقی نمی گذارد."

مجری برنامه گفت وگوبا تاریخ که بیش از یکصد مصاحبه با اشخاص میرز رشته های مختلف علمی را داشته است، از عبادی می پرسد که چگونه این تناقض های قانونی را در حین کار کردن مورد توجه قرار می دهد؟ عبادی پاسخ می دهد: "من حقوقدان هستم و وقتی که دادگاه می روم محبورم از همین قوانین آنچیزی را که به نفع موکلینم است استفاده کنم."

درعین حال من یک استاد دانشگاه نویسنده هم هستم و در کارتحقیقاتی نشان می دهم که این قوانین غلط است و ما می توانیم مسلمان باشیم وقوانین بهتری داشته باشیم. شجاعت برمبنای اعتماد به نفس می آید. وقتی شما مطمئن باشید تصمیمی که گرفتید درست است بعد درمقام اجراش برمی آید. کسانی که شجاع نیستند معمولاً اعتماد به نفس ندارد ونمی دانند تصمیمی که گرفته اند درست است یا نه. این شجاعت از خانواده از دانش وآگاهی وتجربه وهمچنین از شخصیت ذاتی افراد می آید. "

کرایسلر سپس از عبادی می پرسد فیلم مصاحبه شما را پیش از همه دانشجویان می بینند، اگر قرارباشد به آنها پیامی بدهید چه خواهید گفت؟ شیرین عبادی پاسخ می دهد: " مهمترین چیزی که من از دانشجویان می خواهم این است که با جنگ مخالفت کنند ومخالفت کنند که ایرانیان را بمباران کنند یا حمله نظامی."

این مساله روند دموکراسی را درایران صدمه بزند. الان درعراق نگاه کنید که به چه وضعیتی افتاده است. صدام حسین ساقط شد اما وضعیتی که الان در عراق است به مراتب بدتر از زمانی است که صدام بود. مهمترین مساله این است که مردم دو کشور خوب همدیگر را بشناسندو شاید این یکی از انگیزه های من ازنوشتن خاطراتم بود می خواستم از طریق نوشتن خاطراتم مردم ایران را به مردم کشور آمریکا بشناسانم. "